



مجلس شورای ملی شهران نفرین اختلافات رهبران نهضت

فرستادند تا چنان عمل کنند که گویی توده‌ای هستند که پیکره‌ها و مساجد را سنگباران می‌کنند.»

نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

کاریکاتورهای مصدق

... توافق شد که پایگاه باید بی‌درنگ سیاست جدید خود را دربارهٔ حمله به دولت مصدق از راه کاربرد تبلیغاتی که منشاء آن نامشخص بود آغاز کند... از گروه هنری سیا که بخشی از هیئت مشاوران دستگاه بود خواسته شد تا تعدادی کاریکاتور بر ضد مصدق تهیه نماید.

اسناد سازمان سیا، ص ۸۸

اشتیاق اشرف

ما بر این باوریم که شاهدخت اشرف، خواهر دوقلوی نیرومند و توطئه‌گر شاه فردی مناسب است که می‌تواند او را به بازی کردن نقش خود ترغیب کند ما مطمئنیم که اشرف مشتاقانه در راه سرنگونی مصدق همکاری خواهد کرد، از این رو باید با او در محل سکونت کنونی‌اش تماس گرفت، او را به وظیفه‌اش آگاه ساخت و به ایران فرستاد... .

اسناد سازمان سیا، ص ۱۸۰

جوان پارسی و وودهاوس

... توسط زاینر بود که با یک جوان پارسی اهل بمبئی که با شاه هم‌مدرسه بود آشنا شده از خدماتش بهره‌مند شدم. گرچه در آن زمان شغل محقری داشت. ولی بعدها به خاطر خدماتش به روابط ایران و انگلیس به شهرت رسید و به سر شاپور ریپورتر ملقب شد.

اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۳۸

عمر یا عبدالحسین مفتاح

یک روز صبح یک کارمند عالی‌رتبه ایرانی وارد سفارت انگلیس شد تا اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد. او آنچنان آشکارا آمد انگار هرگز به فکر او خطور نکرده که کار ناشایسته‌ای انجام می‌دهد. در مقام مدیرکل یکی از وزارتخانه‌های مهم، او بدین نتیجه رسیده بود که مصدق مشغول ویران کردن و به ورشکستگی کشاندن ایرانیان است... به دلایل امنیتی ما نام مستعار «عمر» را بر او گذاریم... عمر شخصاً به نمایندگی از سازمان مربوطه در هیئت دولت مصدق شرکت می‌کرد. هفته‌ای دو سه بار من و او به طور خصوصی ملاقات می‌کردیم و جزئیات محرمانه داخله دستگاه حکومتی را می‌شنیدیم.

اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۴۲، ۴۳

خبرچین ام. آی. شش

عمر به من اطلاع داد که در اوایل ماه اکتبر قطع روابط دیپلماتیک با انگلستان تصویب شده ولی روز هفدهم [اکتبر] اعلام شد بدون اینکه حتی به کاردار ما اطلاع داده باشند.

اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۵۱

اهمیت کودتا

ریچارد هلمز رئیس سیا از ۱۹۷۳ تا ۱۹۶۵: اهمیت کودتای ۱۹۵۳ در ایران در آن است که سابقه‌ای را برای فعالیتهای مشابه در جاهای دیگر پدید آورد.

سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۹۶

لهجه‌های مختلف آن صحبت می‌کردند ولی بعداً معلوم شد که خیلی سلیس به زبان کردی حرف می‌زنند و به لهجه‌های کرمانشاهی، خرمشهری، آذربایجانی نیز آشنا هستند و همهٔ اینها را از پدر و مادر مهاجر خود یاد گرفته‌اند.

کودتا در کودتا، ص ۱۵۶

عبارت رمز رادیو بی.بی.سی

روزولت در دیدار با شاه: مسئلهٔ مهمی را که باید روشن می‌کردم این بود که من در آنجا از طرف رئیس جمهور آمریکا آیزنهاور و نخست‌وزیر انگلیس چرچیل حضور یافته بودم.

قرار بود که پرزیدنت آیزنهاور این موضوع را طی نطقی که در ۲۴ ساعت آینده در سانفرانسیسکو ایراد می‌کرد با بیان جمله خاصی تأیید نماید و چرچیل هم طوری ترتیب داده بود که در اعلام ساعت برنامه بی.بی.سی شب بعد به جای اینکه بگویند حالا نیمه‌شب است اعلام شود حالا «درست» نیمه‌شب است.

شاه تذکر داد همانقدر که مرا شناخته، احتیاج به هیچ نوع تأیید دیگری ندارد... .

کودتا در کودتا، ص ۱۶۸

شبکهٔ شهری عملیات چکمه

سازمان شهری متشکل بود از تعدادی افسر ارشد، وکیل مجلس و سناتور، ملا و بازرگان و روزنامه نویس و کهنه سیاستمدار، همراه با سردهسته‌های ارادل و اوباش، همهٔ این نیروها که به وسیلهٔ برادران هدایت می‌شدند قرار بود کنترل تهران به دست بگیرند و سپس مصدق و وزرای او را دستگیر کنند.

عملیات چکمه، ص ۳۹

پاداش رشیدیان‌ها

به گفتهٔ یکی از مسئولان سازمان M۱۶ چمدانهای پولی که او مأمور تحویل آنها به زینر بود بیش از یک میلیون لیره بود این مبلغ پاداش ساده‌ای بود در مقابل کاری که رشیدیان‌ها انجام دادند.

سالهای مبارزه و مقاومت، ج ۱، ص ۴۲۷

کاتم مأمور سیا در تهران

در تابستان مبارزه تبلیغاتی شدید وارد تلاشی مصممانه شد، برنامهٔ مطلوب بی‌ثبات کردن، که با ظهور ناگهانی شش روزنامهٔ جدید در تهران مشخص شد. مطالب گردآوری شده در واشنگتن را به سرعت به تهران بردند. برای توزیع در زمان مناسب در آنجا نگاه داشتند. این مطالب را سپس به برادران رشیدیان رساندند که در چهار پنجم از مطبوعات ایران رابطهای داشتند. کاتم در خاطراتش می‌گوید: «هر مقاله‌ای که می‌نوشتیم به سرعت در مطبوعات روز بعد ایران چاپ می‌شد.»

M۱۶، ص ۵۸۸

عمال رشیدیان‌ها

ریچارد کاتم می‌گوید: «برادران رشیدیان فرصت را غنیمت شمردند و مردمی را که در قبضهٔ اختیار ما آمریکاییها بودند به خیابانها

آیت‌الله کاشانی و لایحه تمديد اختیارات

نظر من همان است که در نامهٔ خود به مجلس شورای ملی نوشته‌ام و حاضر نیستم کوچک‌ترین تجدیدنظر و تعدیلی در آن بنمایم. من به هیچ‌وجه نظر مخالفی با دولت ندارم و مخصوصاً همواره دکتر مصدق را تأیید کرده‌ام. فقط از این نظر است که نسلهای آینده ما را به اهمال در نگاهداری قانون اساسی و قصور در ادای وظیفه متهم نکنند. من از این می‌ترسم که این مسئله بدعتی برای رؤسای آیندهٔ مجلس بشود و هر دولتی تقاضای اختیارات بکند در برابر آن تسلیم شوند. کیهان، دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۳۱.

هشدار آیت‌الله کاشانی در خصوص عدم

سوءاستفاده از

مخالفت ایشان با لایحه اختیارات

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

سلام بر برادران عزیز

به طوری که مستحضرید از نظر وظیفه ریاست مجلس و حفظ قانون اساسی و از لحاظ تفکیک قوای سه‌گانه به مجلس شورای ملی تذکری دادم که بعضی اشخاص بی‌اطلاع، حمل بر اختلاف شخصی بین اینجناب و جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر نموده و مغرضین، انتشارات خلاف واقع داده و خواسته‌اند از این موضوع سوءاستفاده نمایند. باید به عموم برادران ایرانی عرض کنم که آنچه به مجلس عرض شد یک تذکر قانونی و صرفاً به منظور حفظ قانون اساسی بود که البته در این باره مذاکره و راه‌حلی شاید در نظر گرفته شود.



آیندگان شومیم.

من طبقات مختلف مردم را از کارگر و کشاورز و تاجر و پیشه‌ور و دانشجو و استاد و هنرپرور و رجال و زعما و روحانیون به این حقایق مذکور شاهد و گواه می‌گیرم که در انجام وظیفه خود دقیقه‌ای مسامحه نکردم و امیدوارم که همگی برای سعادت ملت ایران به وظیفه وجدانی خود عمل نمایند.

تکیه‌گاه من خداوند بزرگ و حقیقت روح اسلام و تعالیم رسول اکرم صلوات‌الله علیه و آله است که مشروطیت ایران نیز بر آن استوار می‌باشد «و امرهم شوری بینهم» از آن سرچشمه می‌گیرد.

من یقین دارم که شما نصایح بی‌آلایش مرا خواهید پذیرفت و اگر بازگشت ننمایید و قصد تجاوز به حقوق عامه را به کنار ننهید روزی بر آن تأسف خواهید خورد که پشیمانی سودی نخواهد داشت. والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته.
سید ابوالقاسم کاشانی
کیهان، اطلاعات، شاهد، دی ماه ۱۳۳۱.

مواضع دکتر مصدق در خصوص اختیارات

قوه مجریه در دوره‌های قبل

بالاخره عقیده هم داشتیم که مجلس شورای ملی نمی‌تواند به دولت اجازه قانونگذاری بدهد چرا؟ برای اینکه مثل این است که یک کسی اجازه اجتهاد خودش را به کس دیگری بدهد. اجتهاد غیرقابل انتقال است و ما هم وکیل در توکیل که نیستیم که به دولت بگوییم: برو قانون وضع کن از این جهت این قسمت را هم بنده رای ندادم.

همچنین در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۰۶ در همین زمینه می‌گوید: اساساً قانونگذاری را از مختصات و وظایف مجلس شورای ملی می‌دانم. اگر بنا باشد مجلس به وزرا اجازه بدهد قانون وضع کنند پس وظیفه مجلس شورای ملی چیست؟ این حق به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی از وظایف مجلس شورای ملی است و هیچ مجلسی هم نمی‌تواند این حق را به دولت واگذار کند... البته صلاح در این است که مجلس شورای ملی حق قانونگذاری به دولت ندهد و مثل مواقع عادی دولت را مکلف کند که قوانین خودش را به مجلس بیاورد و به اتفاق یا اکثریت آرا از تصویب نمایندگان بگذراند تا مسئله به یک صورتی بگذرد که در صلاح مملکت باشد. و باز هم در همین زمینه در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ می‌گوید:

وضع قانون که عبارت از قواعد و احکامی است که هیئت تقنینیه برای حفظ انتظامات جامعه تصویب می‌کند از وظایف قوه مقننه است و چون به موجب اصل ۲۸ متمم قانون اساسی قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهند بود لذا قوه تقنینیه نمی‌تواند انجام وظیفه را به عهده یکی از قوای دیگر واگذارد که هم واضح قانون باشد و هم قانون را تطبیق نماید...

مصدق در دوره چهاردهم مجلس نیز همین عقاید را تکرار می‌کند و از جمله در مورد اختیارات میلسپو در ۲۰ فروردین ۱۳۲۳ می‌گوید:

مجلس شورای ملی مطابق قانون اساسی حق نداشت که حق قانونگذاری را به کسی واگذار نماید زیرا قانونگذاری از وظایف مجلس شورای ملی است و هیچ کس و هیچ مقامی حق قانونگذاری ندارد ولی مجلس این حق را هم برخلاف قانون اساسی واگذار کرد.
روزنامه داد، ۷ بهمن ۱۳۳۱



دایر بر گرفتن اختیارات، خودداری نماید تا در صف ملیون مبارز شکافی ایجاد نشود و اگر واقعاً لایحه اختیارات خود را با موازین قانون اساسی موافق می‌دانید لزوماً توضیح دهید؛ مطالبی را که در ادوار مختلف مجلس شورای ملی به نام قانون و آزادی و رعایت حقوق عامه (دوره پنجم، چهاردهم و شانزدهم) در طی نطقهای خود به مخالفت با تقاضاهای دولتهای وقت که فقط در قسمتی از شئون مملکتی اختیار می‌خواستند و شما پافشاری و رد می‌نمودید و عین مذاکرات شما عموماً مضبوط است و محل انکار ندارد مبتنی بر چه اصل و منظوری بوده است. خود جناب عالی تصریح نموده‌اید که قانونگذاری قابل انتقال نیست. خود شما گفته‌اید: تفکیک قوا پایه و اساس مشروطیت است، اختلاط قوای تقنینیه و قضائیه و اجرائیه بازگشت به حکومت دیکتاتوری است. روزی که نماینده مجلس بودید با صدای بلند فریاد می‌زدید کسانی که می‌خواهند از قدرت غیرقانونی استفاده کنند یا نمایندگانی که کمک در تسلیم اختیارات قانونگذاری به یک فرد و یا دولتی می‌نمایند به حقوق عامه خیانت کرده‌اند.

اگر فراموش نموده‌اید عین آنها را دستور داده‌ام که از ضبط مجلس خارج نموده و برای اطلاع خود جنابعالی و عامه ملت ایران منتشر نمایند.
آقای دکتر مصدق، من و جناب عالی در راه موفقیت ملت ایران و نیل به آزادی طبقات محروم کشور و مبارزه بر علیه استعمار قدمهای بلندی برداشته‌ایم و از کمک ملت ایران در این راه پرافتخار برخوردار گردیده‌ایم. انصاف اجازه نمی‌دهد که در این جهاد بزرگ با آن همه فداکاری که مردم ایران نموده‌اند به جای پاداش آنان دست در حقوق و آزادی آنها نموده و قانون اساسی را که ضامن حیات و بقای استقلال و ملیت آنهاست از اعتبار بیندازیم.

شما مدعی هستید که از اختیارات سوءاستفاده نمی‌کنید، ولی هستند کسانی که بعد از من و شما می‌آیند و از این قدرتهای غیرقانونی به ضرر جامعه ملت ایران و بر علیه مردم سوءاستفاده خواهند نمود و آه و نفرین مردم ایران تا دامنه قیامت بر دامن شما خواهد بود. از امثال من و شما در چنین مرحله‌ای از عمر، زیننده نیست بر خلاف عهدی که با خدای خود و خلق خدا داریم رفتار نماییم که موجب طعن و لعن

بنابراین به عموم برادران اعلام می‌دارد که هرگونه مخالفت یا ابراز احساسات مخالف از هر طرف و هر دسته و نسبت به هر کس که باشد به نفع اجانب و استعمارچیان بوده و به ضرر مملکت خواهد بود و نصایح مشفقانه اینجانب را بپذیرید و از هرگونه تشمت و اختلاف پرهیزید. اینجانب کماکان در خدمتگذاری مملکت و ملت حاضر و از هرگونه فداکاری مضایقه نموده و در صورت لزوم از جدیت در پیشرفت مقاصد معظم‌له خودداری نخواهم نمود.

کیهان، ۱۳۳۱/۱۰/۲۹ و روزنامه داد، ۱۳۳۱/۱۰/۲۹.
نظر من درباره اختیارات همان است که در نامه دیروز و امروز خودم به مجلس نوشته‌ام و هیچ‌گونه تعدیل و تغییری در آن نخواهم داد. اختلافی میان من و آقای نخست‌وزیر وجود ندارد و فقط تکرار می‌کنم من نمی‌توانم بر خلاف قانون اساسی اجازه بدهم که اختیاراتی به کسی داده شود و همان طوری که در اعلامیه‌های مکرر خود نوشته‌ام پشتیبان دولت هستم و اگر رأی اعتماد بخواهید همه حاضریم. من غیر از سایرین هستم و هیچ‌گونه نظر خصوصی ندارم و به خدا قسم من مطیع حق هستم و جز این راه، راه دیگری نمی‌پیمایم و می‌توانید این موضوع را در مصاحبه خودتان بنویسید.

و همان‌طور که در پیام خود گفتیم در این موضوع، هرگونه تظاهر، به نفع بیگانگان تمام خواهد شد و امروز به تمام احزاب و جمعیتها و دسته‌ها پیغام فرستادم که کوچک‌ترین تظاهری ننمایند. همین حالا هم به من اطلاع دادند که افراد قلیلی به نام «نیروی سوم» به بازار هجوم آورده‌اند و کسبه از ترس ناچار شده‌اند مغازه‌های خود را تعطیل کنند. از طرفی دسته‌های دیگر، خواسته بودند مقاومت کنند و در مقام مقابله برآیند. من سران آنها را خواستم و دستور دادم از هرگونه مقاومت و دخالت خودداری نمایند و به مقامات مربوطه نیز برای جلوگیری از هرگونه پیش‌آمدی تذکرات لازم را دادم.

نامه آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق در

تشریح دلایل مخالفت با لایحه اختیارات

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر
البته نامه‌ای که اینجانب به مجلس شورای ملی فرستاده‌ام و در جلسه علنی قرائت گردید از نظر شخص جناب عالی گذشته است بنابر وظیفه دینتانی و ملی خود برای حفظ وحدت عموم مردم در نهضت بزرگی که بر ضد استعمار در پیش داریم از شما تقاضا دارم قطعاً از مطالبات غیرقانونی خود



اظهارات آیت‌الله کاشانی پس از تصویب لایحه اختیارات

راجع به تصویب لایحه اختیارات در ملاقاتی که دیشب آقای مهندس رضوی با من نمودند این موضوع را تذکر دادم که تصویب لایحه اختیارات را به صلاح دولت و مصلحت مملکت و ملت نمی‌دانم. سپس آیت‌الله اشاره به مبارزات خود در نهضت ایران نمودند و گفتند: این قیامی که من کرده‌ام با هزارها میلیون لیره فراهم نمی‌شود و مردم می‌دانند که من چه خدمتی به آنها کرده و هر قدمی که برداشتم برای خدا و ملت ایران و کلیه مسلمین بوده و این را بدانید من اعتماد به خدا و پیغمبر اکرم می‌باشد. من می‌خواهم اساس دین مبین اسلام محفوظ باشد و موقعی که می‌بینم مردم در فشار و بدبختی هستند دلم خون می‌شود و باز هم این مبارزه‌ای را که بر علیه فساد و خدمت به مردم پیش گرفته‌ام ادامه خواهم داد و تا در دم جان دادن در راه آزادی ایران فداکاری می‌نمایم. خداوند در من ترس ایجاد نکرده و چون پیروی از حق می‌کنم خداوند همیشه به من نصرت خواهد داد.

همان‌طوری که کلاً گفته‌ام من با دکتر مصدق مخالفتی ندارم. ایشان یک اختیاراتی از مجلس گرفته‌اند که بر خلاف قانون اساسی است و شما به من می‌گویید من هم قانون اساسی را زیر پا بگذارم. من برای نهضت ملی ایران خیلی زحمت کشیدم و انتظار داشتم در این آخر عمر ببینم که کار مملکت به جایی رسیده که مردم سعادتمند شده‌اند ولی روز به روز وضع کشور را آشفته‌تر مشاهده می‌کنم. این لایحه اختیارات و عملیات دولت فعلی، کار را به جایی رسانیده که می‌ترسم مردم به کلی از نهضت ملی مابوس شوند و آن وقت مملکت یک سر به دامن کمونیستها بیفتد. من می‌گویم دکتر مصدق دست از قانون‌شکنی بردارد از او حمایت می‌کنم ولی شما می‌گویید او قانون اساسی را زیر پا بگذارد من هم او را تائید کنم. این آخر عمری از من چنین عملی ساخته نیست. علت حمایت مردم از ما این است که ما را حافظ قانون اساسی و حافظ منافع خود و مملکت می‌دانند و اگر من هم بخواهم از قانون‌شکنی حمایت کنم مردم از ما حمایت نخواهند کرد. من نمی‌توانم مردم را به خاطر شما از دست بدهم زیرا در تمام عمر با مردم بوده در این موقع از عمر هم با مردم خواهم بود. مردم نمی‌توانند این قانون‌شکنی را صحنه بگذارند.

روزنامه داد، ۷ بهمن ۱۳۳۱.

روزنامه اطلاعات، ۲۲ فروردین ۱۳۳۲ زیر عنوان «آیت‌الله کاشانی: من با دولت مصدق از نظر سیاست خارجی هیچگونه اختلافی ندارم» می‌نویسد:

ساعت چهار بعدازظهر روز پنجشنبه، خبرنگار فرانسوی روزنامه دوتیه لیبره، با آیت‌الله کاشانی ملاقات کرد. مشارالیه از رئیس مجلس سؤال کرد: اختلاف شما با دکتر مصدق بر چه اصولی است؟ آیت‌الله کاشانی در جواب اظهار داشتند که من درباره سیاست خارجی یعنی مبارزه با استعمار و موضوع نفت، هیچ‌گونه اختلافی با نخست‌وزیر ندارم. ولی درباره مسائل داخلی به منظور رعایت قانون اساسی و وضع اقتصادی البته اختلافاتی موجود است. زیرا اصل تفکیک قوا که از اصول مسلم قانون اساسی است از طرف ایشان رعایت نشده و به علاوه بهبود وضع عمومی ایران مستلزم یک سلسله تغییرات و انجام نقشه‌های اقتصادی از قبیل آبیاری و بستن سد‌ها و استخراج معادن و بسط کشاورزی و اصلاح وضع مردم است که از طرف ایشان اقدامی در این باب نشده است.

روزنامه اطلاعات، ۲۲ فروردین، ۱۳۳۲

اختلافات رهبران نهضت ملی شدن نفت

اشاره: انحلال مجلس هفدهم از سوی دکتر مصدق یکی از دلایل شکست نهضت ملی شدن نفت محسوب می‌شود که پیرامون آن بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. اغلب آگاهان معتقدند که دکتر مصدق با انحلال مجلس هفدهم و با وجود آوردن فترت در کشور دست شاه را برای عزل خود باز کرد، اظهارات مهندس زیرک‌زاده را در این زمینه با هم مرور می‌کنیم:

آیا انحلال مجلس به نفع جنبش بود یا به ضرر آن، به نظر شخص من جنبش پس از جدایی و تفرقه پایه‌گذاران آن محکوم به زوال بود و هیچ چیز او را نجات نمی‌داد. بنابراین اگر بحثی در بین باشد در این خواهد بود که این انحلال تا چه اندازه در شکلی که شکست به خود گرفت مؤثر بوده است. دکتر عبدالله معظمی همیشه آن را یک خطای تاکتیکی می‌دانست چون پایگاه قانونی دکتر مصدق را از دستش گرفت. به نظر من بر فرض هم که دکتر مصدق این کار را نمی‌کرد، این مجلس بالاخره او را از کار برکنار می‌کرد و استعمار مستولی همین مصیبت‌ها را با بهانه‌هایی دیگر بر خود دکتر مصدق و بر مردم ایران تحمیل می‌نمود. دکتر مصدق بر راه‌حلی که نتیجه قطعی آن شکست بود، راه‌حلی را که امیدی برای موفقیت در آن باقی بود ترجیح داد. چون هنوز ملت ایران از او پشتیبانی می‌کرد و با پشتیبانی ملت امیدی برای موفقیت داشت، مخصوصاً که ممکن بود بالاخره بتواند قراردادی بر مبنای ملی شدن نفت با انگلستان منعقد سازد. اگر دکتر مصدق اشتباهی مرتکب شده شاید در این باشد که چون به حزب و تشکیلات حزبی معتقد نبود به خوبی به نحوه حرکت جمعیت‌ها آگاهی نداشت و از طرف دیگر شاید تضاد منافع آمریکا و انگلیس را بیش از آنچه بود حدس می‌زد و تصور می‌کرد که توافقی بین آنها در موضوع نفت ایران به وجود نخواهد آمد.

باری، انحلال مجلس اگر یک قسمت از مشکلات دکتر مصدق را حل کرد، مشکلات دیگر را باقی گذاشت. تظاهرات پی در پی توده‌ایها که اکنون به اسم همکاری صورت می‌گرفت ولی در حقیقت به ضرر بود چون در داخل باعث اغتشاش در شهر و ایجاد عدم رضایت مردم می‌شد و در خارج وجهه بین‌المللی نهضت را خراب می‌کرد گمان آمریکاییها را بر اینکه مصدق کمونیست است یا در هر حال راه آنها را صاف می‌کند روزبه‌روز شدیدتر می‌کرد و باعث می‌شد که به انگلیسها

ملی کمک کند، میتینگ‌های جداگانه تشکیل دهد. بدین ترتیب در پیشامدی که الان به خاطر نیست قرار شد یک روز جبهه ملی و روز بعد طرفداران حزب توده میتینگ بدهند. نتیجه این شد که مخالفین برخلاف حقیقت و به دروغ فریاد زدند که جمعیتی که در میتینگ حزب توده شرکت کرد چندین برابر جمعیتی بود که در میتینگ جبهه ملی شرکت کرد. دهان دشمن را نمی‌شود بست و آنکه به دروغ تهمت می‌زند بدون توجه به کوچکی و بزرگی دروغ و درجه قابل قبول بودن آن نیز تهمت‌ش را می‌زند و اگر محیط تهمت و حقیقت را نتواند به خوبی تشخیص بدهد، ضرری که باید بزند زده است.

اگر با وجود مجلس صحبت از انداختن دولت با رأی مجلس بود، حالا صحبت از کودتا است و هر روز از هر طرف چیزی راجع به کودتا به گوش می‌رسد تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ فرا می‌رسد.

خاطرات مهندس احمد زیرک‌زاده، پرسشهای بی‌پاسخ، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۶، صص ۱۳۷، ۱۳۶.

اختلافات رهبران نهضت ملی شدن نفت

اشاره: با تشکیل کابینه اول دکتر مصدق و حضور برخی چهره‌های انگلیسی در آن کابینه، اعتراضات متعددی از سوی افراد و جمعیت‌ها به نخست‌وزیر در خصوص این انتصابات صورت گرفت و پایه برخی اختلافات از همین جا گذاشته شد، مهندس احمد زیرک‌زاده عضو کابینه دکتر مصدق در این باره در خاطرات خود می‌نویسد:

در روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ دکتر مصدق در نتیجه رأی تمایل مجلسی که تحت فشار افکار عمومی مردم به او رأی اعتماد می‌داد نخست‌وزیر می‌شود و برای اولین بار پس از دوره‌های اول مشروطیت یک نخست‌وزیر مردمی یعنی برگزیده به وسیله مردم و تحمیل بر طبقه حاکمه بر ایران حکومت خواهد کرد.

کابینه دولت مصدق تشکیل شد و از همان روز اول علائم و آثار ناراضی‌های هویدا گشت. ترک‌های کوچکی در ساختمان آمل و آرزوهای ایران از همین اولین کابینه ظهور کرد و رفته‌رفته بزرگ شد تا ساختمان را فرو ریخت.

عده‌ای از اعضای جبهه ملی هر یک به علتی می‌توانستند از این کابینه ناراضی باشند. عده‌ای وجود وزاری مانند جواد بوشهری را که بستگی‌اش به انگلیسیها شهرت فراوان داشت

به او ایراد می‌گرفتند. در گفتگویی با خود من یا با عده‌ای که من هم از آنها بودم دلیلی که ارائه می‌داد این بود «من با انگلیسیها دشمنی ندارم، من هیچ عمل سری انجام نمی‌دهم از این جهت می‌خواهم از مأمورین آنها در کابینه حاضر باشد، تمام حرکات و اعمال مرا ببیند و صحت این ادعای مرا گواه باشد.» در کابینه دومی دیگر چنین افرادی دیده نمی‌شود یا اگر دیده می‌شدند ما نمی‌دانیم.

بر من یقین است که مصدق هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد دولت کارگری انگلستان با چنان سرسختی با ملی شدن صنعت نفت مقابله کند. در اوایل همیشه امیدوار بود که

نزدیک‌تر شوند و بهانه‌ای برای رد تقاضاهای کمک دکتر مصدق پیدا کنند.

برای اینکه به خطرناکی این تاکتیک جدید حزب توده پی ببرند این حادثه کوچک را نقل می‌کنم. در میتینگ‌های جبهه ملی جمعیت زیادی حاضر می‌شدند. این اصرار حزب توده به همکاری بهانه خوبی به مخالفین داخلی و خارجی داده بود که بگویند اینها همه توده‌ایها بودند.

در یکی از میتینگ‌ها برای فرار از این تهمت دکتر معظمی پیشنهاد کرد برای درهم شکستن این تبلیغات بهتر است اعلام کنیم که اگر حزب توده می‌خواهد در موضوعی به جبهه

همایش کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



قراردادی مرضی‌الطرفین که با وجود ملی بودن صنعت نفت منافع آنها را هم تاءمین کند با آنها منعقد سازد و از این جهت از تبلیغات مخالفین چه راست و چه چپ برای بهم زدن روابط با انگلستان واهمه داشت، می‌ترسید که انگلیسها باور کنند که مصدق می‌خواهد نفت را به شورویها بدهد یا مصدق [در ذهن] نقشهٔ فروش نفت را به هر که با بهترین قیمت بخرد می‌پروراند و هزار تهمت دیگر از این جهت می‌خواست که چشم و گوش انگلیس را در نزدیکی خود داشته باشد که شاهد رفتار و حرکاتش باشند و به دروغ بودن این تهمتها شهادت دهند و انعقاد یک قرارداد مرضی‌الطرفین ممکن گردد.

خاطرات احمد زیرک‌زاده، صص ۱۳۲، ۱۳۱.

روزنامهٔ اطلاعات نیز در همین زمینه می‌نویسد:

صبح امروز (۲۹ دی) عدهٔ دیگری از پیشه‌وران و کسبهٔ بازار به منزل آیت‌الله کاشانی رفتند و ایشان را ملاقات نمودند. ضمناً شکایت کردند که عده‌ای با لباس یونیفرم به بازار ریخته و ما را مجبور کرده‌اند که مغازه‌های خود را ببندیم. یکی از آنها که خود را جواهرفروش قلمداد می‌کرد اظهار داشت حتی مقداری از جواهرات مغازه مرا نیز به سرقت برده‌اند. پیشه‌وران مزبور به آیت‌الله کاشانی گفتند اگر اجازه بدهید ما برویم مغازه‌های خود را باز کنیم. آیت‌الله در جواب گفتند اقدام به باز نمودن مغازه‌ها نکنید و هیچ‌گونه تظاهراتی هم ننمایید و اگر کسانی خواستند آشوب به پا کنند شما عکس‌العملی از خود نشان ندهید... روزنامه اطلاعات سپس می‌افزاید: مقارن ساعت یازده - حضرت آیت‌الله کاشانی به وسیلهٔ تلفن به آقای سرتیپ کمال رئیس

شهربانی اطلاع دادند که ایشان را ملاقات کند. یک ربع ساعت بعد رئیس شهربانی در منزل حضرت آیت‌الله حضور یافت. آیت‌الله به ایشان گفتند باید امنیت بازار را حفظ کنید و جان و مال مردم را از تعرضات احتمالی محفوظ بدارید تا کسبه و اصناف به کسب خود بپردازند. رئیس شهربانی پس از خروج از اطاق، به عده‌ای از اصناف و کسبه که در حیاط اجتماع نموده بودند گفت بروید به کسب و کار خود مشغول شوید و مطمئن باشید هیچ‌کس مزاحم نخواهد شد. آیت‌الله نیز به اجتماع‌کنندگان گفتند: بروید مشغول کار خود شوید». اطلاعات، ۲۹ دی ۱۳۳۱.

شایان ذکر است که مصدق چند روز بعد، سرتیپ کمال را که افسری لایق و میهن‌دوست بود به دلیل مقابلهٔ وی با تنشهایی که عوامل دولتی ایجاد می‌کردند از سمت خود بر کنار کرد.

